

اساسی در کشور به اتفاق نظر برسند و ضمن الگوسازی علمی برای آن، موانع را مرتفع نموده و از همه مهمتر، مردم را در این عرصه به مشارکت بگیرند، حتماً کشور ما طی ۱۵ سال آینده در مسیر تمدنی قرار خواهد گرفت.

### \*تمدن یا زوال کی اتفاق می‌افتد؟

منظور از «تمدن» نظم پیشرفته و ممتاز برآمده و عینیت‌یافته از فرهنگ اسلامی-انقلابی است. یعنی اگر ما بتوانیم نظم خود را در عمل پیاده‌سازی کنیم، و این نظم بتواند بر نظم تمدن غربی بطور نسبی غلبه کند، در مسیر تمدن‌سازی قرار گرفته‌ایم؛ هرچند خود تمدن ذومراتب است.

برخی از مزیت‌هایی که قبل‌تر اشاره کردم، وجه تمدنی دارد؛ به عنوان مثال رهبری عالی، فرهنگ غنی ایرانی-شیعی، رونق آزاداندیشی، نقد و نوآوری فکری، شکل‌گیری علوم‌انسانی اسلامی، برخورداری از پیام‌های جهانی جذاب و راهگشا (اخلاق، عدالت، صلح، تعالی فردی و اجتماعی و...) در جهت ایجاد تغییر در شرایط فعلی جهان. بنابراین، وقتی گفته می‌شود که می‌توانیم در شرایط تمدنی قرار بگیریم، قبل از آن پذیرفته‌ایم که از قابلیت‌های تمدنی تا حد زیادی بهره‌مند هستیم.

زوال وقتی اتفاق می‌افتد که یک انقلاب تحرک، پویایی و اثربخشی خود را از دست داده و قادر به تحول‌آفرینی در جهت حفظ و تداوم خود نباشد. که البته روشن است که من معتقدم امروز ما در شرایط زوال قرار نداریم.

### \*تحقق کدام سناریو محتمل‌تر است؟

بر این باورم در شرایط فعلی متأسفانه به دلیل آثار ضعف عمومی ناشی از دولت یازدهم و دوازدهم، سستی موجود در نخبگان انقلاب و فقدان برقراری حکمرانی علمی-دینی، «سناریوی خاکستری» را محتمل می‌دانم؛ مگر اینکه طی دو-سه سال آینده، علاوه بر اینکه برای تحول همه‌جانبه در کشور تصمیم قاطعی گرفته شود، بلکه برای این تحول الگوی کارآمدی وجود داشته باشد و لوازم تحقق آن نیز فراهم شود.

### جمع‌بندی

جدای از آنچه درباره معنای زوال عرض کردم، ابایی ندارم تا در جمع‌بندی چنین عنوان کنم: اگر سناریوی سفید محقق شود، ما در شرایط فعلی و حتی ۱۵ سال آینده می‌توانیم خودمان را در مسیر پیشرفت و تمدن‌سازی قرار دهیم ولی اگر به هر دلیلی، دو سناریوی دیگر عینیت پیدا کند، فعلاً سخن گفتن از ظهور شرایط تمدنی در ایران آسان نخواهد بود به ویژه سناریوی نخست که سناریوی خطرناکی است. در عین حال، نقطه مقابل ادامه این وضعیت (یعنی سناریوی خاکستری) زوال نیست بلکه ضعفی است که می‌تواند (البته در یک بازه زمانی) مداوا شود.

### \*یک نکته حائز اهمیت

چنانچه از نقاط قوت و مزیت‌ها به صورت مبتکرانه برای رفع نقاط ضعف استفاده نشود، بعضی از ضعف‌های مهم مانند مسأله بی‌عدالتی، فساد یا مسأله فقدان حکمرانی علمی و دینی یا کمبود سرمایه اجتماعی، به تنهایی می‌تواند همه مزیت‌ها را از بین برده یا خنثی کند.

\*سه سناریوی سیاه، خاکستری و سفید برای آینده ایران  
بازه زمانی مورد نظر ما، یک بازه زمانی ۱۵ ساله است. برای ارائه سناریوها لازم است نقاط طلایی یا کلیدی در مزیت‌ها، و نقاط آتشین در ضعف‌ها را روشن کنم؛ چراکه سناریوهایی که در این بحث بر این نقاط کلیدی و نقاط آتشین تکیه دارد؛

در مزیت‌ها؛

\*رهبری عالی دینی

\*عرق ملی و دینی اکثریت مردم و خودباوری نسبی آنها برای پیشرفت

\*فرهنگ ایرانی-شیعی غنی

\*پیشرفت‌های علمی و فناوری چشمگیر

\*رویش‌های فکری-دینی

در ضعف‌ها؛

\*بی‌عدالتی و فساد

\*کاهش سرمایه اجتماعی

\*فقدان حکمرانی علمی-اسلامی

\*کمبود مشارکت عمومی

\*عدم سرمایه‌گذاری فرهنگی مناسب

### \*سناریوی نخست؛ سناریوی سیاه

چنانچه کشور ما نتواند با استفاده از مزیت‌های خود، ضمن غلبه بر فساد و بی‌عدالتی، سرمایه اجتماعی را به حد مطلوبی رسانده و با استقرار حکمرانی علمی به جای حکمرانی ذوقی و خودسر، و با زمینه‌سازی جهت مشارکت عمومی حداکثری و نیز سرمایه‌گذاری مؤثر و هوشمندانه بر فرهنگ، از شرایط فعلی که در نقاط ضعف به آنها اشاره شد، خود را خارج کند، نه تنها در مسیر تمدنی قرار نخواهد گرفت بلکه تداوم انقلاب اسلامی نیز به مخاطره می‌افتد.

### \*سناریوی دوم؛ سناریوی خاکستری

ادامه وضع فعلی یعنی نوعی شرایط کم‌حسی، شعارزدگی، ضعف در عمل و یک بام و دو هوا که شاید اغراق‌گونه به نظر برسد اما تا حد زیادی واقعیت دارد.

### \*تفاوت سناریوی اول و دوم در چیست؟

تفاوت سناریوی نخست با سناریوی دوم این است که کشور اقدامات را برای برون‌رفت از ضعف‌های خود انجام می‌دهد اما این اقدامات به میزان کافی قوی، ادامه‌دار و مؤثر نیست و تنها می‌تواند جلوی تشدید چالش‌ها یا عدم شکل‌گیری چالش‌های تازه را بگیرد. در حقیقت، مسأله این است که ما ظرفیت‌های بزرگی داریم اما نمی‌توانیم از این ظرفیت‌ها برای حرکت به جلو به درستی استفاده کنیم.

### سناریوی سوم؛ سناریوی سفید

اگر نخبگان و بزرگان نظام روی یک تحول

۱۲. برخورداری از پیام‌های جهانی جذاب و راهگشا (اخلاق، عدالت، صلح، تعالی فردی و اجتماعی و...)

۱۳. قدرت اثرگذاری منطقه‌ای و جهانی (فرهنگی و سیاسی)

\*ما ضعف‌ها و چالش‌های زیر را داریم:

یکم. فساد اداری و اقتصادی بالا  
دوم. ضعف در برقراری عدالت و افزایش فاصله طبقاتی

سوم. حضور جریان غربزده در بخش مهمی از لایه‌های مدیریتی کشور و خنثی‌سازی حرکت‌های انقلابی  
چهارم. ضعف در حکمرانی علمی-اسلامی

پنجم. ضعف در مشارکت عمومی (هنوز مردم‌سالاری دینی و لوازم آن عمیقاً درک نشده است)

ششم. کاهش سرمایه اجتماعی

هفتم. ضعف نظام تعلیم و تربیت

هشتم. نقدپنگی بالا و ناتوانی در هدایت

آن به سمت تولید

نهم. سیستم پولی و بانکی آفت‌زده و بیمار

دهم. دیوان‌سالاری مریض و بازدارنده

یازدهم. کم‌کاری مفرط فرهنگی به ویژه در ساحت «فرهنگ عمومی»

دوازدهم. افزایش آسیب‌های اجتماعی

\*ما با تهدیدات بیرونی زیر هم روبرو هستیم:

- تسلط دشمن بر بخشی از افکار عمومی و مدیریت نسبی آن لااقل در ارتباط با ۳۰ درصد مردم

- نفوذ در بخشی از گلوگاه‌های کشور

- تحریم‌های گوناگون اقتصادی

- تخریب گسترده و جهه ایران اسلامی و انقلابی در سطح جهانی

- تهدیدات امنیتی

### \*نقاط ضعفی که بیان شد، ذاتی است یا عارضی؟

روشن است که نقاط ضعفی که برای شرایط فعلی کشور بیان شد، هیچ‌یک در نسبت با انقلاب اسلامی ذاتی نیستند بلکه ضعف نیروهای انقلاب در عرضه فکر، اختلاف‌ها و ناهماهنگی‌ها، کارشکنی عناصر نامؤمن به انقلاب، و از همه مهمتر تهدیدات بیرونی، در ایجاد نقاط ضعفی که بیان شد سهم اصلی را دارند.

### \*آیا انقلاب از قدرت تحول‌آفرینی برخوردار است؟

از جهت تئوریک، زنده بودن انقلاب در نظریه انقلاب اسلامی خودگواهی بر این واقعیت است که انقلاب اسلامی حرکت خود را با پیروزی انقلاب در بهمن ماه ۱۳۵۷ پایان یافته تلقی نکرده است و انقلاب را یک حرکت تحولی مداوم در قالب مجموعه‌ای از انقلاب‌ها در یک فرایند و بازه زمانی طولانی تلقی می‌کند.

از سوی دیگر، انقلاب اسلامی نشان داد با ملاحظه برخورداری از رهبری عالی و محبوب، نیروی متراکم دینی و از همه مهمتر، وجود سطح خوبی از خودباوری، از توانایی غلبه بر مشکلات و چالش‌ها و ایجاد تحولات بزرگ بهره‌مند است هرچند این توانایی همیشه در یک اندازه نبوده و نخواهد بود.

نیست و جدای از دسترسی سخت به بخشی از اطلاعات، هزینه تولید اطلاعات هم خارج از توان عمده محققان مستقل است. شایان ذکر است، بخشی از عدم دسترسی به اطلاعات در ایران به دلایل امنیتی است.

چهارم، در آینده پژوهی علمی نه درک عمیقی از «جامعه ایمانی» و به تبع آن «امدادهای الهی» وجود دارد و نه «امور متافیزیکی» از اعتبار و وجاهتی در آینده پژوهی علمی برخوردارند و همین امر، قضاوت‌های «آینده‌پژوهان سکولار» درباره ایران را با دشواری‌ها و ناکامی‌های فراوان روبه‌رو کرده است.

پنجم، به دلیل آنکه ایران طی ۴۲ سال اخیر همواره در شرایطی جنگی اعم از جنگ نظامی، جنگ روانی، جنگ فرهنگی و یا جنگ اقتصادی قرار داشته است، همه عوامل بیرونی دخیل در آینده ایران آشکار نیست. به بیان دیگر، لااقل در حوزه تهدیدها، جزئیات همه تهدیدات و سناریوهای دشمن برای آینده، برای ما روشن نیست.

چند روش عمده برای «آینده‌پژوهی علمی» وجود دارد که معروف‌ترین آنها عبارت است از: روندپژوهی، سناریوپردازی، شبیه‌سازی و یا استفاده از روش دلفی. در این بحث از «روش سناریوپردازی» استفاده می‌کنیم. «سناریو» توصیفی است منطقی از آنچه ممکن است اتفاق بیفتد و نشان می‌دهد اتفاقات یا تصمیم‌های گذشته و امروز ما چقدر در آینده، نقش آفرین هستند.

برای آینده‌پژوهی کلان چند عرصه باید باهم تطابق داده شوند؛ مزیت‌ها، ضعف‌ها و تهدیدهای بیرونی و قدرت تحول‌آفرینی (استفاده از فرصت‌ها و غلبه بر چالش‌ها در کشور)

\*ما مزیت‌های زیر را برای ساخت آینده خوب داریم:

۱. رهبری دینی قوی و محبوب و توانایی بالای ایشان در هدایت بخشی و بسیج ظرفیت‌های کشور و مهمتر از همه غلبه بر چالش‌ها.

۲. وجود روحیه انقلابی در میان قشر قابل توجهی از مردم و وجود عرق ملی و دینی در بیش از ۹۵ درصد از مردم  
۳. انسجام ملی نسبتاً مناسب (به ویژه قومی)

۴. جمعیت جوان و تحصیلکرده کشور  
۵. ثروت‌های بالقوه کشور به خصوص در عرصه منابع نفتی، گازی و بطور کلی معدنی و همچنین موقعیت ژئوپلیتیکی ایران

۶. پتانسیل اقتصادی مناسب و مقاومت آن در برابر تحریم‌ها (زاییده بازار منحصربه فرد داخلی، مواد اولیه و نیروی کار ارزان و رشد تولید دانش بنیان)

۷. پیشرفت‌های چشمگیر علمی و فناوری

۸. قدرت دفاعی

۹. فرهنگ غنی ایرانی-شیعی و تاب‌آوری قابل قبول در برابر فرهنگ‌های مهاجم

۱۰. رونق تدریجی آزاداندیشی، نقد و نوآوری فکری

۱۱. رویش‌های فکری در جهت شکل‌گیری علوم انسانی اسلامی

\*به دلیل آنکه ایران طی ۴۲ سال اخیر همواره در شرایطی جنگی اعم از جنگ نظامی، جنگ فرهنگی و یا جنگ اقتصادی قرار داشته است، همه عوامل بیرونی دخیل در آینده ایران آشکار نیست. به بیان دیگر، لااقل در حوزه تهدیدها، جزئیات همه تهدیدات و سناریوهای دشمن برای آینده، برای ما روشن نیست.